

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۱ اگست ۲۰۱۵

مجلس شصت و دوم (در توحید)

قسمت دوم

شیخ (رضی الله تعالی عنه) همچنین فرمودند: من همنشینی با اغیار را اختیار نکرده ام، اگر همنشین بوده ام با کسانی بوه که اهل حق و توافق بوده اند. از صفات اولیاء الله آنست، که هرگاه با کسی همنشینی کنند، اگرچه یهودی یا نصرانی هم باشد، چنان در آنها تاثیر میکنند، که حب و مهر در دلشان ایجاد میشود، و اگر مسلمان باشد، ایمان و ایقانش تقویت میگردد، این بدان دلیل است که هرگاه قلب سالم باشد، نظر هم درست میشود. قلب همینکه در آرایش پاک شد، بمقام قرب میرسد، و بانظر قرب و معرفت مینگردد، و نظرش از جانب خدای عزوجل تائید میشود. قرب در قلب بسان ابراست، و نظر بمانند برق و پند و موعظه مثل باران. قلب پاک رازبان ترجمان است، زبان در این حال بمنزله قلمی است که بامرکب معرفت مینویسد، و از دریای علم ازلی مدد میگیرد. گفتار شخص و نظر او بسان برق جهنده از قلب که از جانب مبدئی قوی تقویت میشود، ساطح میگردد. هرکس در امتثال امر، و خودداری از منهیات و کسب رضای رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) توفیق حاصل کرد، این مقامات برایش متحقق میشود، علم و قرب و صدقش فزونی می یابد، که نتیجه اش کسب اعمال صالحه است.

عمل صالح آنست که در جهت رضای حق انجام شود، و دیگری رادر آن شرکتی نباشد، عمل صالح به جاده مرادت راهبری میکند، داهسپاران این جاده چپ و راست نمی شناسند، و باقلب و باطن، و بدون توجه به علایق دنیا و سایر تعلقات بسوی وجه الله طی طریق می کنند، همانگونه که موسی (علیه السلام) گفت: «وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى»- (بسوی تو بشتاب آمدم که راضی باشی. سوره طه آیه ۸۴).

هرکس در طلب وجه الله باشد، چنان حالتی پیدامی کند که خداوند درباره موسی بیان داشت: «وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ»- (از پیش، شیرشیردهندگان را بر او حرام کردیم. سوره قصص آیه ۱۲). شیر دایگان را بر این محب صادق حرام گردانیده، و بعد از اینکه شیر هیچ زنی بجهت امر خدا در حلقش فرو نرفت، تمام علایق نیز جز حب خدا از دلش زدوده شد. مومن صادق از اعمال و اقوال رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) متابعت میکند، و بمانند غلام و چاکر در خدمت اوست، و چون بر این خدمت مداومت داشت، از استاد و معلم خود باب قریش میرساند، گفته میشود: یا محمد به همراه تو کیست؟ ای سفیر حق، و ای معلم و دلیل جهانیان چه کسی رابه همراه داری؟ جواب میدهد: خودمیدانی، فردی است که خود برای خدمتگزاری این درگاه پروریده ای. سپس به او میگوید: این توو این خدایت. همانگونه که جبرئیل در سفر آسمانی خودش را راهنمایی کرد. و بخدا نزدیک شد و گفت، این توو خدایت. تبعیت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) اینچنین بنده مومن را بخداوند عزوجل نزدیک میگرداند.

(یاغلام) عمل صالح بیار و مقام قرب خدار الحراز کن.

(یاغلام) حرص و آرزو هایت راکم کن، و نمازهای فرض رابجای آور. شایسته نیست که مومن شب بخوابد وصیت نام اش زیر بالینش نباشد، اگر صبح دگر باربه امر خدابیدار شدی، مبارک است، و در غیر اینصورت زن و فرزندش از وصیت او بهره مندمی شوند، و درودش میفرستند.

باید احوال و اعمالت در میان اهل و عیال بصورت کسی باشد، که برای وداع و خداحافظی آمده است، همچنین در بین اقرآن و دوستانت نیز باید اینگونه باشی، و همواره قلبت برای وداع و جدائی از این سرا آماده باشد. چگونه کسی که اختیار بود و نبودش، در دست دیگری است، اینگونه نباشد؟

معدودی از افراد از حال و بال خویش و احیانا از زمان مرگ خود آگاهی دارند، آنان دارای قلبی اندوهگین اند، و این مسائل راهمچنانکه چشم خورشید را می بیند، مشاهده می کنند، منتهی زبانشان از این مقوله نیز به نفس مطمئنه خبر میدهد، و نفس هم آنرا پنهان میدارد، این مقامات تماما در اثر مجاهدات و تحمل مشقات بدست می آید، هر که بدین مقام واصل شد، او نائب حق، عزوجل در زمین است، و بدان که این موهبتی است که درک و فهم آن و رای عقل بشر و تمام مخلوق، قطره ای از دریای عظمت و چراغ کم سوئی از خورشید تابناک معرفت حق اند.

بارخدا، در مورد بیان این اسرار از توپوزش میطلبم، تو آگاهی که من مغلوبم. گفته اند: خویشان دارباش و عذر خواهی مکن، اما وقتی بر این منبر بالامیروم، خوددیگران را گم میکنم، دیگر کسی در قلبم باقی نمی ماند، که از اوپوزش بطلبم، مگر خدا. زمانی از آنان (مردم) فرامیکنم! اما باز خود در میان ایشان می بینم، گاهی تصمیم میگیرم که هر شبی رادر جائی بروز آرم، و از شهری به شهر دگر بروم. و از دهی به دهی دیگر، پنهانی و بصورت غریب بسر برم، تا زمان مرگم فرارسد، این راده من است، ولی اراده خدا غیر از این است، او امر در میان آنان که از ایشان گریزانم قرار میدهد.

این قلب هرگاه سالم و درست شد و پایدار گردید، قدم به باب حق میگذازد، در صحرا و دره های تکوین قرار خواهد گرفت، در دریای معرفت بشنا می پردازد، در افعال و اراده خداوند فانی می گردد، و از وجودش جز اندکی باقی نمی ماند. از شما کسانی هست که این راباور دارند، اما بیشتر تان تکذیب میکنند. ایمان به این امر و عمل بدان نهایت کار است. کسی غیر از منافقین و دروغگویان که بر مرکب هوی و هوس سوارند، احوال صالحین را انکار نمی کند، این باور بر اساس اعتقاد صحیح و عمل صحیح استوار است.

هر کس به احکام ظاهری عمل نمود، معرفت الله نصیبش می شود، و به اعمال باطنی که رابط میان عبد و خداوند است موفق میگردد، در اینحال جوارح و اعضاء آرامش دارند، منتهی قلب همواره در حال اضطراب است، چشم ظاهر بخواب می رود، ولی دیده باطن همیشه بیدار است، در حالیکه خوابیده است، قلبش ذاکر است. از یکی از بزرگان نقل میکنند، که سیح ای در دست داشت و بآن تسبیح می گفت و در این حالت بخوارفت، وقتی بیدار شد، دید سبحة در دستش میگردد، و خدای را ذکر میدهند، تا اعمال باطن را انجام دهد: «وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ عَامِلُونَ» آنان را غیر از آن اعمال ظاهری اعمالی است که انجام میدهند اعمال ظاهری بندگان اعمال اعضاء و جوارح است، و اعمال باطنی مربوط بخواص است که با قلب و باطن انجام میشود، باطن آنان با خداست و همواره در حال خوف اند، خوفشان از تغیر احوال و نزول مقام است، میترسند که به مسخ قلب گرفتار آیند، و خورشید و ماهی که بر ایشان تابیده است غروب نماید، و موجب لغزش آنان شود، لذا همواره به حلقه درگاه قرب آویخته و دست در دامن رحمت ذات حق زده، و میگویند: بارخدا، چنگ در دامن رحمت توزه ایم، ما را خوار مگردان، و ظمنان را تحقق بخش، زیرا تو بر هر کاری اراده کنی خواهی گفت: باش، فوراً میشود.

(یا قوم) اولیاء الله را در گرفتار و کرداز، پیروی نمائید، آنان را خادم باشید، و به ایشان نزدیک شوید، آنچه که از خدمتگزاری در مورد آنان انجام دهید، نزدشان محفوظ است، و فرداست که دوباره بشما باز میگرددند.

شما همواره از خداوند گشایش رزق رادخواست مینمائید، درحالیکه رزق مقسوم است و کم و بیشی ندارد، و شما باین عمل تنه مورد خشم واقع میشوید، چه، چیزی رامیطلبید که بهره شما نیست. چقدر حریصانه درطلب دنیا، درحالیکه فقط به قسمت معین خویش نائل میگردید. اولیاء الله در مقام طاعتند و دلہایشان هراسناک، اما شما بر قدم معصیت استوارید و دلہایتان آرام! این عین فریفتگی است، بر حذر باشید تا فریب نخورید، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «**اسْتَعِينُوا عَلَىٰ كُلِّ صَنْعَةٍ بِصَالِحِ أَهْلِهَا**»- (در هر کاری از اهل آن کمک بگیرید).

عبادت هنری است که آگاه بدان صالحان اند، آنان که در اعمال و افعالشان صدق و صفا نهفته است، آن کسانی که پس از رسیدن به مقام معرفت از خلق و اتکابه غیر گریخته اند، و از زن و فرزند و دارائی بریده، و بخدای عزوجل پیوسته اند، و تمامی موجودیت خود را در این راز دست دهد. و بر این شیوه اند تا قلبشان به رشد کامل خویش برسد، و بالہایشان تقویت شود، و بآنها بسوی مقام قرب به پرواز درآیند، و بجائی برسند که حق عزوجل فرموده است: «**وَأَنَّهُمْ عِندَنَا لَمَنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ**»- (آنان در نزد ما برگزیدگان نیکو کارند. سوره ص آیه ۴۸).

هرگاه ایمان به یقین، و یقین به معرفت، و معرفت به علم تبدیل شد، معیار و محک الهی میگردی، از دست اغنیا و توانگران میستانی، و به فقرا و مساکین میرسانی، بسان صاحب مطبخی درمی آئی که ارزاق مردم را بادت قلب و باطن بدیشان تحویل میدهی، اما ای منافق! ترا کرامتی نیست، تا اینکه سعی کنی و بدین مقام برسی، و ای بر تو! تو در خدمت انسان و ارع و عامل به احکام الهی تربیت نشده ای، و ای بر تو! بدون در دست داشتن چیزی (عمل صالحی) انتظار بزرگواری داری، وقتی میدانی که مال (ناچیز و کم ارزش) دنیا بدون رنج و زحمت بدست نمی آید، پس چگونه مقامات معنوی نزد خداوند را که عین ارزش است، بدون زحمت و تلاش بدست می آید؟... تو کجائی و آنرا که خداوند در قرآن مجید وصف کرده کجا؟! میفرماید: «**كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الَّذِينَ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَفْهَرُونَ**»- (آنان اندکی از شب رامیخواهند، و در بامدادان طلب غفران میکنند. سوره ذاریات آیات ۱۷). هنگامی خداوند صدق عبادتشان را دید، برحمت و فضل خویش شادشان گردانید.

اولیاء الله چون علاقه قلبشان بخدای عزوجل کامل است، در خواب چیزهایی را مشاهده میکنند، که در بیداری نمی بینند، و قلب و باطن ایشان در خواب، بیدارتر از هنگام بیداری است. نفس خود را به گرسنگی و تشنگی و مخالفت با خواستهایش، رام و مطیع ساخته اند، انواع عبادت (فرض و نفل) را بجا آورده اند، تاجنت برایشان مسلم گردیده است. هر کس از مطلوب خود آگاه باشد و هدف معینی را دارا باشد، تحمل انواع رنج و زحمت در راه رسیدن به آن مطلوب برایش سهل و آسان است، لذا مومن همواره رنج طاعت و بندگی را بر خود هموار میکند تا به لقای محبوب و مطلوب خود برسد.

وای بر تو! شگفتا! تو مدعی دوستی بامنی، ولی دارائیت را از من پنهان میداری، پس در ادعایت کاذبی، مرید واقعی در برابر مراد دارای پیراهن و عمامه و مال و دارائی نیست، بلکه از سفره مراد بآنچه که دستور یابد استفاده میکند، و در وجود مرادفانی است، و امر و نهی را طاعت میکند، زیرا میداند آنچه را که مراد بدو فرمان میدهد، در واقع فرمان خدا و رسول است، و در جهت مصالح دین و دنیا او گام برمیدارد. (شیخ واقعی جزیه کتاب و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) به چیزی دیگر دستو نمیدهد). تو اگر مرادت را متهم میداری، پس از مصاحبت او دوری نما، زیرا وقتی بیمار به حذاقت پز شکش اطمینان نداشت، مسلماً درمان نمی شود.

هرگاه زهد و کناره گیری کسی از دنیا متحقق شد، مردم بدوروی می آورند و به دیدارش راغب میگردند، و از برکات کلامش بهره مند میشوند.

هرگاه خلق را با علم خداوند شناختی، تمام صفات ایشان از دید تو پنهان میشود، تمام انس و جن و فرشته در نظرت معدوم میگردند، و قلبت به ذکر و صفات دیگر مشغول خواهد شد، باطنت قشر ظاهر وجودت را کنار میزند. پوست و قشر ظاهری

آنست که بنی آدم ظاهر خود را در آن می بیند، و لباسی است بر تن نوع بشر، به امر نفس . اما در واقع نوع انسان از عالم امر الهی است. وقتی علم ربانی بردلی نازل شد، آن علم لباس قلب و باطن میگردد. (اینجاست که عرفا برای ظاهر وجود اعتباری چندان قائل نیستند، و آنچه که در نظرایشان مغز و اصل است همان قلب و باطن میباشد). آنچه را که رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) آورده است، از جان و دل بپذیر، و آن کتاب است و سنت. هر که از این دو رکن اساسی و اصلی دین سرباز زدند، کافر و زندیق است، جایگاهش در قیامت آتش، و در دنیا مورد قهر و نفرت الهی است.

«وَأَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». آمین!

ادامه دارد....